



دانشگاه تهران  
وزارت آموزش و پرورش  
انرژی کار آموزش و پرورش استان تهران  
معاونت آموزش و پرورش شهرستان تهران



## تحلیل محتوای کتاب زیست شناسی پایه دهم بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد

معصومه پرنده، فائزه مبارکی، لیلا رضائیان

۱- دانشجوی دوره کارشناسی پیوسته رشته آموزش زیست شناسی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز،

۲- دانشجوی دوره کارشناسی پیوسته رشته آموزش زیست شناسی، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز، شماره

Faez1101379@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز

lrezaean92@gmail.com

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی محتوای کتاب زیست شناسی پایه دهم چاپ ۹۹-۱۳۹۸ براساس عوامل خلاقیت گیلفورد (حافظه شناختی، تفکر همگرا و واگرا و قضاوت ارزشیاب) انجام شده است. یک تحقیق توصیفی-کاربردی است که از الگوی تحلیل محتوای کمی استفاده گردیده است. جامعه آماری و نمونه آماری این پژوهش یکی و کل کتاب زیست شناسی پایه دهم دوره دوم متوسطه میباشد. ابزار گردآوری در پژوهش حاضر فرم محقق ساخته براساس عوامل خلاقیت گیلفورد است. برای تحلیل محتوای کتاب زیست شناسی پایه دهم از یک طرح کدگذاری استفاده شده است. ابتدا محتوای کتاب زیست شناسی پایه دهم به سه قسمت متن، تصاویر و فعالیت تقسیم، سپس با تطبیق جمله به جمله در هر فصل با عوامل خلاقیت توسط محقق، فراوانی مربوط به آن به صورت جدول و درصد ثبت گردید. محقق به منظور اعتباریابی (روایی صوری) ابزار تحقیق از نظرات و دیدگاه های صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و اساتید علوم تربیتی و زیست شناسی دانشگاه فرهنگیان استفاده کرده و برای اندازه گیری میزان پایایی ابزار، از فرمول پایایی هولستی استفاده شده است. یافته ها نشان داد. از مجموع ۱۷۸۰ واحد کد گذاری شده، ۱۲۲۵ واحد به حافظه شناختی یعنی ۶۸/۸ درصد، ۴۴۰ واحد به تفکر همگرا یعنی ۲۴/۷ درصد، ۸۰ واحد به تفکر ارزشیاب یعنی ۴/۴ درصد و ۳۵ واحد به تفکر واگرا یعنی ۱/۹ درصد اختصاص یافته است نتیجه گیری میشود. در محتوای کتاب زیست شناسی پایه دهم بین سطوح گوناگون خلاقیت گیلفورد تعادل مناسبی وجود ندارد، تأکید بیش از حد به سطح حافظه شناختی و تفکر همگرا دارد و به تفکر واگرا و تفکر ارزشیاب در حد ضعیفی توجه شده است بایستی در این زمینه تمهیداتی اندیشیده شود.

کلید واژگان: تحلیل محتوا، زیست شناسی پایه دهم، خلاقیت گیلفورد

### ۱. مقدمه

حل مسئله و خلاقیت یکی از ممتازترین توانایی های شناختی انسان است. این مفهوم به مثابه ی یک مسئله ی انگیزشی به عنوان شرط اساسی بقا در عصر فرا صنعت و معادله های موجود در عصر جهانی شدن و تحولات فوق سریع در عرصه های علمی مورد توجه و عنایت علمای تعلیم و تربیت، روانشناسان، جامعه شناسان تعلیم و تربیت، محققان و برنامه ریزان درسی واقع گردیده است. خلاقیت یکی از اساسی ترین و مهمترین مسائل آموزشی جهان به شمار می رود (منطقی، ۱۳۸۰). اکنون در آغاز هزاره سوم به جرأت می توان گفت خلاقیت همان چیزی است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی انسان نخستین جدا می کند (سام خانیان، ۱۳۸۷). امروزه شعار "نابودی در انتظار شماس است مگر اینکه خلاق و نوآور باشید" پیش روی همه انسان ها قرار دارد (مهدی پور، ۱۳۸۷).

از این رو سازمان های آموزشی از یک سو وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش ابتکار و نوآوری و استفاده صحیح و هدفمند از استعدادها و توانایی های افراد را به عهده دارند که این خود، زمینه ساز توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در جامعه است و از سوی دیگر پویایی، خلاقیت و نوآوری لازمه هر سازمانی است (پیر خائفی، ۱۳۷۹). ضرورت دارد که محتوای کتب درسی بر آموزش مستقیم، مداوم و پرورش تفکر منطقی و کسب دانش خلاق دانش آموزان اصرار ورزد. چنانچه در یک نظام آموزشی کتاب درسی تنها